

**زخم کاری همچنان بر مسیر تکرار** **مسعود نصیری**؛ شاید کلیدواژه نقد سریال «زخم کاری» که فصل سوم آن در نمایش خانگی در حال پخش است، در همین تیتری باشد که بنده انتخاب کردم؛ زخم تکراری بازگشت تا از زخم کاری انتقام بگیرد که فقط در فصل اول حرف تازه‌ای برای جامعه داشت. پس بهتر است نقد را از همین تیتز شروع کنیم. همه افراد و همه اتفاق‌ها در این مجموعه نمایشی بر مدار تکرار می‌چرخد؛ از شخصیت‌ها گرفته تا لحظه‌هایی که این شخصیت‌ها خلق می‌کنند. برای مثال، منصوره با بازی هانیه توسلی، جایش را به پانته‌آ با بازی مهراوه شریفی‌نیا داد؛ همان دختری که در پایان فصل دوم این سریال از خارج به ایران آمد و وارث حاج‌عمو بود؛ همان‌طور که منصوره در فصل اول زخم کاری با همین بهانه وارث‌بودن به سریال اضافه شد. شاید کارگردان از حذف شتاب‌زده شخصیت‌های سریال بشیمان است که حتی معشوق میثم با بازی مرتضی امینی‌تبار را یک بار مانده و در سری دوم شیدا به مخاطب معرفی می‌کند و سؤال اینجاست وقتی فرم و روش بیان قصه در فصل دوم مانند فصل اول قرار است در همان چارچوب باشد، دیگر چه احتیاجی است که فقط برای بیان قصه بازیگران سریال عوض شوند؟ درواقع فرم بیان همان فصل اول است و تکنیک بیان از بازی منصوره به بازی پانته‌آ تغییر می‌کند و چون فرم بیان قصه تغییر نمی‌کند، محتوای سریال تکراری می‌شود که بیننده می‌گوید همین اتفاقات را در فصل قبل دیده‌ایم.

محمدحسین مهدویان، کارگردان این سریال که شاید در فصل اول خیلی تند و شتاب‌زده تمام فرم خویش که حذف شخصیت‌هاست را به بیننده لو داده و دیگر ترغندی برای روایت قصه ندارد با نام سریال بازی می‌کند که یک روز آن را بازگشت زخم‌کاری می‌نامد و روز دیگر انتقام زخم کاری.

حتی‌واهمه دارد که نام «زخم کاری» را به‌طور کامل از پسوند و پیشوند این سریال حذف کند؛ زیرا می‌خواهد مخاطب را به فصل اول این سریال که جذابیت و تازگی برای بیننده داشته است، ارجاع بدهد به همین دلیل هنوز هم از اتفاقات فصل اول به فصل دوم و حتی سوم تزریق می‌کند و بیننده شاهد همان روابط عاطفی، همان قتل‌ها و همان آمدن‌ها و رفتن‌های فصل اول در دو فصل بعدی بوده است.

در شخصیت‌های سریال «زخم کاری»، در فصل دوم سریال یا همان بازگشت زخم کاری فقط شاهد رابطه مسعود طلوعی با هلدینگ ریزآبادی و شخصیت‌های فصل دوم بودیم که کارگردان می‌توانست این رابطه را بسیار راحت و رقیق‌تر با تعریف دو سکانس که مسعود طلوعی دستور قتل شخصیتی از فیلم را می‌دهد، در فصل اول نشان دهد و اگر کارگردان قصد ساخت فصل دوم و سوم را داشت، فقط کافی بود در فصل اول شخصیت‌های کمتری را حذف کند تا این شطرنج قدرت بدون بازیگران جدید با همان بازیگران فصل اول و بدون مشتقت‌تعریف‌کردن شخصیت‌ها ادامه پیدا کند. کارگردان وقت تعریف شخصیت را ندارد و به‌عنوان مثال برای طرح دشمنی سماوات با مسعود طلوعی یکباره به یک ایده بسیار سطحی متوسل می‌شود که پسر سماوات (عبدی) را در راه رسیدن پرونده‌های فساد مسعود طلوعی به ایران به کام مرگ می‌کشاند، درصورتی‌که مهدویان در فیلم سینمایی لاتاری شخصیت دستمالچی را طوری طراحی می‌کند که تسلط کامل به نفوذ در کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد و اصلاً نیاز نیست برای رسیدن به مدارک مهم فساد یک هلدینگ به سرپرچاه‌ای تکیه کند تا تراشک آن مدارک را به شکل دستی و غیرالکترونیک به داخل کشور منتقل کند و توسط معاندینش (طلوعی) کشته شود. اما چون کارگردان فرصت ندارد در چند سکانس شخصیت ضد طلوعی از سماوات بسازد یکباره در راحت‌ترین راه ممکن با به قتل رساندن فرزند سماوات یک ضد طلوعی از او می‌سازد که بیننده هم آن را باور نمی‌کند؛ همان راه تکراری که با کشته‌شدن میثم، هانیه، شیدا، شهریار، فرهاد از مالک و سمیرا و سیما و پسر فرهاد شخصیتی ضد طلوعی ساخته است.

### سومین حضور جهانی «ابراهیم» در جشنواره آمریکایی

فیلم کوتاه «ابراهیم» به کارگردانی الناز قادرپور و رضا کمینی در سومین حضور خود در جشنواره‌های ورودی اسکار، در بیستمین دوره جشنواره فیلم های شورتز در لس‌آنجلس شرکت خواهد کرد. پخش این فیلم کوتاه توسط کمپانی لایتس آن ایتالیا انجام می‌شود.

جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه هالی شورتز که به‌عنوان یک جشنواره واجد شرایط برای جوایز اسکار شناخته می‌شود، به یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادهای فیلم کوتاه در جهان تبدیل شده است. هالی شورتز با جذب بیش از شش هزار فیلم کوتاه در سال و حضور فیلم‌سازان، بازیگران و حرفه‌ای‌های صنعت سینما، به یک نماد بین‌المللی از کیفیت و نوآوری سینمایی تبدیل شده است. این جشنواره با برگزاری نمایش‌ها، رویدادهای شبکه‌سازی و پنل‌های مختلف، فرصت‌هایی برای پیشرفت حرفه‌ای فیلم‌سازان فراهم می‌کند. هالی شورتز به‌عنوان یک پلتفرم برای فیلم‌سازان مستقل در سراسر جهان شناخته می‌شود و توسط مجله MovieMaker به‌عنوان یکی از ۵۰ جشنواره فیلم برتر برای شرکت در آن توصیه شده است. در سال گذشته، این جشنواره توانست ۹ نامزدی اسکار را در دسته‌بندی‌های فیلم کوتاه به دست آورد.

بیستمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه هالی شورتز در لس‌آنجلس، ۱۸ تا ۲۸ مردادماه برابر با ۸ تا ۱۸ اگوست ۲۰۲۴ برگزار می‌شود.

در خلاصه داستان «ابراهیم» آمده است: «یک پسر نوجوان به نام ابراهیم در غاری در نزدیکی یک روستای کوچک به قتل رسیده و سوزانده شده است. پلیس به دنبال پدر اوست که در یک مسجد کوچک دعا می‌خواند.»

حمید پورآذری، سجاد افشاریان، هادی شیخ‌الاسلامی، صفورا خوش‌طنیت و هستی مروچی، بازیگران این فیلم کوتاه هستند.

عوامل فیلم «ابراهیم» عبارت‌اند از نویسنده و کارگردان: الناز قادرپور و رضا کمینی، تهیه‌کننده: علی عسکری و پویان صادقی، تهیه‌کننده مشترک: حمید لنی، مدیر فیلم‌برداری: آرمان فیض، تدوین: الناز قادرپور، مجری طرح: فرید ابراهیمی، صدابردار و طراح صدا: سامان شهامت، برنامه‌ریز و دستیار اول کارگردان: میثم پورجعفری، طراح صحنه: امیرحسین دونای، طراح لباس: مهرنوش بیانی، طراح گریم: رضا عربی، آهنگ‌ساز: پیام آزادی، مدیر تولید: محمد عسگری، دستیار اول فیلم‌بردار و نورپرداز: سعید خراسانی، عکاس و هلی‌شات: فراد جعفریان، اصلاح رنگ و نور: فرید جلالی، جلوه‌های ویژه رایانه‌ای: کیوان محسنی، پشتیبانی تجهیزات فیلم‌بردار: آیزوم (izoom)، اپراتور دوربین: حمیدرضا حسن‌پور، اجرای نور: مهدی صادقی، دستیار صدابرداری: حسین داغلانی، دستیاران صحنه: میلاد کیانی، رهی قاسملو، دستیار گریم: فاطیما جعفری، دستیار کارگردان: مه‌ران فریثی، زیرنویس: رضا تیاروردی، طراح پوستر: محمد موحدنیا.

**گفت‌وگو با بهروز نصرالهی، مدیرعامل «رایمون مدیا» و پلتفرم «تماشاخونه» درباره یکی از سریال‌های پرحاشیه نمایش خانگی**

# هیچ‌وقت نخواستیم پرونده «آمستردام» را رسانه‌ای کنیم

شرق: «آمستردام» را می‌توان یکی از بحث‌برانگیزترین و پرحاشیه‌ترین سریال‌های شبکه نمایش خانگی توصیف کرد. نخستین تجربه سریال‌سازی مسعود قراکزلو با نقش آفرینی هنگامه قاضیانی، شهرام حقیقت‌دوست، مهدی سلطانی، مهدی پاکدل، مجتبی پیرزاده، روشنگ گرامی و مینا ساداتی که به دلیل آنچه اختلاف سازندگان و پلتفرم «تماشاخونه» معرفی می‌کند و سؤال اینجاست وقتی فرم و روش بیان قصه در فصل دوم مانند فصل اول قرار است در همان چارچوب باشد، دیگر چه احتیاجی است که فقط برای بیان قصه بازیگران سریال عوض شوند؟ درواقع فرم بیان همان فصل اول است و تکنیک بیان از بازی منصوره به بازی پانته‌آ تغییر می‌کند و چون فرم بیان قصه تغییر نمی‌کند، محتوای سریال تکراری می‌شود که بیننده همین اتفاقات را در فصل قبل دیده‌ایم.

❗ **آقای نصرالهی، تابه‌امروز صحبت‌های زیادی پیرامون جرایمِ عدم پخش سریال «آمستردام» رسانه‌ای شده است. فکر می‌کنم مخاطبان این سریال علاقه‌مند هستند کمی واضح‌تر از آنچه باعث عدم پخش سریال شد، بیشتر بدانند.**
۱۴ اسفندماه ۱۴۰۱ قرارداد پخش سریال «آمستردام» را با آقای ایمان افشار بستیم. طبق قرارداد، در سه مرحله باید پرداختی را انجام می‌دادیم و بنا به مفاد قرارداد، انحصار پخش نیز در اختیار پلتفرم «تماشاخونه» قرار گرفت. ما به تعهداتمان عمل کردیم. پرداخت مرحله اول طبق تعهدات قراردادی انجام شد. تا قسمت ۹ سریال به ما تحویل داده شد و پخش آن هم هفتگی انجام شد. اما دوستان قسمت ۱۰ و ۱۱ سریال را تحویل ندادند. درنهایت با تاخیر، قسمت ۱۰ ادامه‌دار شد. ما هم به اجبار به سمت فسخ قرارداد رفتیم؛ چراکه «تماشاخونه» یک طرفه حق فسخ داشت و بعد از یک ماه‌ونیم با دوستان به توافق نرسیدیم. دلیل اینکه این دوستان از قسمت ۱۰ در تحویل قسمت‌های بعدی سریال بدقولی کردند این بود که آقای افشار وهممی منی بر این داشت که ما از محل تبلیغاتی که روی سریال پخش کردیم، یک درآمد عجیب‌وغریب داریم و با توجه به الحاقیه قرارداد است که این دوستان از محل درآمد آگهی‌ها سهم دارند؛ تصوری داشتند که دوسوم مبلغ قرارداد باید به آنها پرداخت شود. این موضوعی نبود که منجر به حبس سریال توسط آنها شود و یا از پخش سریال جلوگیری کنند. ما با این دوستان جلساتی داشتیم که شفاف کنیم میزان درآمد ما از محل تبلیغات و یا از پخش سریال جلوگیری کنند. ما با این دوستان جلساتی جدقر بوده و دوستان تا همین الان هم دفاتر مالی و سیستم حسابرسی ما را قبول ندارند؛ درصورتی‌که میزان درآمد ما کاملاً شفاف است. حتی صورت‌های مالی ما با توجه به اینکه سهام‌دار عمده ما آسیاتک است و بورسی است، تماماً روی دکل به عموم اطلاع‌رسانی شده است، ولی آقای افشار ادعا می‌کنند که درآمد ما واقعی نیست و سهم‌شان از محل تبلیغات عدد ماورایی است و زیاده‌خواهی دارند. مردادماه سال گذشته جلسات کارشناسی زیادی در خانه سینما برگزار شد. تمامی حساب‌ها و قراردادهایی که بسته شده بود، بررسی شد. مسائل قراردادی که از طرف دوستان «آمستردام» هم عمل نشده بود، بررسی شد. موضوع مهم‌تر برای ما این بود که در پخش اولین سریال اختصاصی «تماشاخونه» به مشکل خورده بودیم، درصورتی‌که قصد داشتیم تا آخر سال ۱۴۰۱ چند سریال پخش کنیم. هزینه

زیادی بابت تبلیغات محیطی و مجازی سریال «آمستردام» صرف کرده بودیم و با این اتفاق تمام برنامه‌ریزی‌های ما دچار مشکل شد.

❗ **رای خانه سینما چه بود؟**

۲۷ آذرماه بود که رای داوری خانه سینما ابلاغ شد. در رای آمده بود که ما باید «آمستردام» را از پلتفرم برداریم و به‌طورکل به دلیل حبس قسمت‌های بعدی سریال توسط آقای افشار، قرارداد فسخ می‌شود. طی فسخ قرارداد هم طبیعتاً باید تمامی خسارت و هزینه‌هایی که متحمل شده‌ایم، از جمله تبلیغات انجام‌شده و کاربران اذدست‌رفته و حقوق مخاطب محاسبه و پرداخت می‌شد و خسارت‌هایی که به طرفین وارد شده محاسبه شود و طرفین ملزم به پرداخت خسارت هستند. طبق این شرایط، یک‌سوم مبلغ قرارداد باید به ما برمی‌گشتت و ما هم باید سریال را از روی پلتفرم برمی‌داشتیم که برداشتیم. حکم از سمت ما کاملاً اجرا شد. اما دوستان به حکم داور هم پایبند نبودند. اوایل اسفندماه جلسه‌ای طولانی با آقای افشار، وکیل ایشان و تیم داوری خانه سینما داشتیم و هدف ما صلح و سازش و توافق بر سر ادامه روند پخش قرارداد بود. ناکفته‌نماند در طول هشت هفته‌ای که سریال «آمستردام» پخش می‌شد، سه نفر پیدا شدند که ادعای مالکیت سریال را داشتند. حتی یکی از آنها از «آسیاتک» هم شکایت کرد. در تمام هشت هفته‌ای که سریال پخش می‌شد، سعی کردیم این موضوعات را با آقای افشار حل‌وفصل کنیم. حتی به آقای افشار پیشنهاد دادیم هرکسی، هر طبعی از این سریال دارد را راضی خواهیم کرد. آقای افشار مدعی بود جلسات کارشناسی زیاد است. ما می‌خواستیم ادامه پخش محتوا را داشته باشیم. آقای افشار زمان خواست تا به موضوعات مطرح‌شده در جلسه فکر کند. درنهایت ایشان به رای خانه سینما به عنوان داور قرارداد نیز پایبند نبوده و به دادگاه می‌روند و ابطل رای خانه سینما را از دادگاه می‌گیرند. ما هم بلافاصله تجدیدنظر دادیم به قاضی و جواب تجدیدنظر هفته پیش آمد؛ حکم قاضی رد شد.



❗ **پس بازم هم به نتیجه نرسیدید.**

بیش از ۵۰ هفته از حبس سریال و عدم تحویل قسمت‌های بعدی سریال به «تماشاخونه» گذشته است. از نگاه قضائی قرارداد هنوز جاری است؛ یعنی ما باید به تعهدات عمل کنیم و آنها هم همین‌طور. دوستان طوری عنوان می‌کنند که انگار ما بازنده این اختلاف هستیم و آنها برنده؛ اصلاً چنین چیزی نیست. طبق قرارداد هیچ‌گونه وقفه‌ای نباید در پخش سریال ایجاد می‌شد و ما هم براساس حق خودمان درخواست پخش داریم. موضوع این است که با توافق طرفین قراردادی نوشته شده است، اما آقای افشار به هیچ‌کدام از تعهداتش پایبند نبوده. حتی به حکم داوری خانه سینما هم پایبند نبوده. این عدم ثبات ما در دچار چالش کرده که اصلاً می‌توان با ایشان کار را ادامه داد؟ در چه تضمینی وجود دارد که بار دیگر موضوعی جدید اتفاق نیفتد؟

در تمام یک سال‌ونیم گذشته هیچ‌وقت نخواستیم پرونده «آمستردام» را رسانه‌ای کنیم. اولین سریال پلتفرم «تماشاخونه» بود و شرمنده کاربران و عوامل سریال بودیم و به خاطر لجبازی آقای افشار، حاضر شدیم پول بیشتری بدهیم. شکای‌های پرونده را صدا کنیم و رضایت آنها را جلب کنیم. درحال‌حاضر هیچ‌گونه توافقی مبنی بر ادامه پخش سریال با آقای افشار صورت نکرفته و بسیار بعید است که این موضوع محقق شود؛ چراکه کماتکان به نظر می‌رسد آقای افشار تنها سرمایه‌گذار و مالک این سریال نیست و مدعیانی در این رابطه به صورت جدی وجود دارد و از طرفی هیچ‌گونه تضمینی وجود ندارد که آقای افشار به چارچوب و توافق جدیدی پایبند باشد و در ادامه مسیر، چالش جدید ایجاد نکند. در تمام این مدت تلاش ما این بوده که موضوع در خانه سینما به صلح و سازش برسد. اکنون که پرونده «آمستردام» به مراجع قضائی کشیده شده ما هم برای احقاق حقوق خود و کاربران «تماشاخونه» همان مسیر را ادامه می‌دهیم.

### نگاهی به سریال «ریپلی»

## وسوسه‌ها و جاه‌طلبی‌هایی که جنایت را رقم می‌زنند

او نمی‌تواند نگاه‌های بالا‌به‌پایین ریچارد و مارچ (شریک زندگی ریچارد) را تاب بیاورد و از آن خسته شده است، در این میان هم فردریک مالز، نمایش‌نامه‌نویس انگلیسی، سروکل‌اش پیدا می‌شود. تام خود را در مقابل آنها حقیر می‌بیند و برای رسیدن به خواسته‌اش که همان ثروت و قدرت است، دست به قتل می‌زند و دوربین کوچک‌ترین لحظات وسوسه‌های جنون‌آمیز تام را مانند یک اسفنج جذب می‌کند. چگونه کسی که مرتکب چنین جنایتی شده هم می‌تواند جذاب و هم کاملاً بی‌عاطفه باشد؟ شاید بهتر است بگویم ترکیب عجیبی از جذابیت و خونسردی. در واقع این حسن ناپرابری و اینکه ریپلی استحقاق بیشتری برای داشتن یک زندگی بهتر دارد او را کناهسکار و مجرم می‌کند. حلالاً ضدقهرمان ما که به پول رسیده به آن هم قناعت نمی‌کند و می‌خواهد همان سبک زندگی ریچارد را تقلید کند. از این رو بهترین خانه را در رم اجاره می‌کند و یا به بهترین هتل‌ها می‌رود. اما تام ریپلی تا زمانی که مجبور نباشد دست به قتل نمی‌زند. او مجبور بود برای بقا ریچارد را بکشد و برای لوئرقتن، فردریک را از میان بردارد. اما در ونیز اجباری برای از میان برداشتن مارچ نمی‌بیند؛ چراکه درحال‌حاضر از سوی او در خطر نیست.

در سریال، آثار هنری هم نماد هستند و هم به‌شدت تهدیدآمیز. دست‌ها در سریال به عنوان یک نماد مهم به کار می‌روند؛ دستی که می‌تواند هنر را بیافریند و هم‌زمان دست به جنایت بزند. از این رو در پلان‌های زیادی می‌بینیم که دوربین بر روی دست متمرکز می‌شود. گره‌های هم که در خانه اجاره‌ای در رم وجود دارد یک بارزس و یک شاهد محسوب می‌شود؛ او رد اصلی جنایت را می‌بیند و شاهد زشتی‌های تام ریپلی است.

قسمت اول و دوم این مینی‌سریال کند پیش می‌رود اما در واقع می‌خواهد به مخاطب، جزئیاتی را ارائه دهد که به پیشبرد داستان کمک می‌کند. در طول نمایش سریالی ندیده‌ام که این‌همه جزئیات به پاکسازی قتل، خستگی آذرنالین، دفع روشمند همه چیزهایی که ممکن است یک تازه‌کار اشتباه کند اصلاً تکران‌کننده نباشد. مینی‌سریال ریپلی نه‌تنها در داستان، بلکه در کل رویکردش، درجه‌ای تازه مقابل چشمان مخاطب باز می‌کند و هرچقدر سریال رو به جلو می‌رود، بهتر می‌شود. در واقع این مینی‌سریال به اعماق روح و روان شخصی با جزئیات می‌پردازد و می‌خواهد تا جایی که می‌تواند برای رسیدن به آنچه در ذهن خالقانش است، پیش برود. رویکرد کارگردانی، ایجاد تنش در سریال است که با سیروی آهسته به سمت جانی می‌رود و لحظاتی از تامل آرام ذهن یک روان‌مغشوش را برای ما بازگو می‌کند.

بازگر اصلی فیلم، اندرو اسکات به طرز عجیبی باورنکردنی است. اندرو، ریپلی را از اعماق وجودش بیرون می‌آورد و بازی می‌کند. بازیگری ظریف و باورپذیر اندرو اسکات شما را میخکوب می‌کند. بازیگران مکمل نیز به همان اندازه برسته‌اند.

موسیقی متن، مخلوطی از موسیقی استادانه، پرِتشت، غم‌انگیز و خفه‌کننده است. مینی‌سریال ریپلی، تصویری واقع‌گرایانه و فریبنده از جاه‌طلبی یک انسان را نشان می‌دهد و بی‌شک یکی از بهترین مینی‌سریال‌های ۲۰۲۴ است که تا مدت‌های طولانی در خاطره‌ها باقی خواهد ماند.

**موفقیت فیلم «رِد مرز» دریک جشنواره آمریکایی**
شرق: فیلم کوتاه «رِد مرز» به نویسندگی و کارگردانی سروش یاری و به تهیه‌کنندگی محمدرضا خاوری و سروش یاری، موفق به کسب دیپلم افتخار در هشتمین دوره جشنواره Various Artists Independent Film Festival شد. این جشنواره با هدف نمایش و حمایت از استعدادهای نوظهور و حرفه‌ای در حوزه سینما و در شهر شیکاگو، ایالت ایلینوی آمریکا برگزار می‌شود. در این رویداد، کمک‌هزینه ساخت فیلم به بهترین فیلمی که توسط هیئت داوران انتخاب شود، تعلق می‌گیرد. فیلم «رِد مرز» به مسائل و مشکلات مهاجرین افغانستانی در ایران می‌پردازد و بازیگرانی همچون سمیر حیران، طاهرا رضوی، علی حسینی و شهروز آقایی در آن ایفای نقش کرده‌اند. پخش این فیلم کوتاه برعهده سولماز اعتماد است.

**عوامل فیلم**

مدیر فیلم‌برداری: کیوان شعبانی، تدوین و مشاور: کارگردان: محمدرضا خاوری؛ مشاور فیلم‌نامه: مریم رحمانیان؛ طراح صحنه: پویان باغنده؛ طراح لباس: ملینا باغنده؛ طراح چهره‌پردازی: لوریمر کوک‌تپه؛ صدا‌بدرار: هادی افشار؛ موسیقی: سالار اصغری؛ اصلاح رنگ و نور: فرید جلالی؛ طراحی و ترکیب صدا: عرفان ابراهیمی؛ تیزر: امید میزایی؛ طراح پوستر: محمد موحدنیا و نسیم گرجی؛ طراح لوگو‌تایپ: سبجان شفیعی؛ دستیار اول کارگردان، برنامه‌ریز و مدیر تولید: علی نصیر؛ منشی صحنه: مهتاب حبیبی ابهری؛ عکاس: سام مقیمی؛ ترجمه انگلیسی زیرنویس: سپیده خلیلی؛ کارشناس زبان فارسی دری: شفیق محمودی؛ مدیر تدارکات: امیرحسین ایمان‌دوست؛ دستیار دوم کارگردان: مانا نجاران؛ دستیار اول فیلم‌بدرار: پوریا خطیبی‌کیا؛ گروه فیلم‌برداری: فائزه ریحیعی، مرتضی حفار؛ دستیار صدا: مهیار رحان‌صفت؛ دستیار تولید: میثم بیک؛ دستیار لباس: مهدی بازرگان، حریر حقیقی.

### تالار مولوی میزبان نمایش‌های تازه‌ای است

**ایست:** ۱۱ مردادماه، تالار کوچک مولوی میزبان نمایش «نُه ماه پیس از تولید» به نویسندگی و کارگردانی پریسا نوروزی است. در خلاصه داستان این نمایش آمده: «تا اذان ظهر باید نذری رو پخشش کنیم». این نمایش با بازی شکوفه حیدریان، بینا طالشسی، نگین فیروزمنش، شیده غفاریان، فهیمه معین، شهره عادل، سیما شکاری و پارمیدا حسینی، روی صحنه می‌رود. دیگر اعضای گروه اجرایی این اثر نمایشی به شرح زیر هستند: گروه کارگردانی: بهار صادق، سمیرا زارثی، طرح کرافیک: علی زندیه؛ عکاس: شایان عظیمی؛ طراح صحنه، اجرا: علیرضا نجفی؛ طراح نور: فرشاد نصیری؛ طراح لباس: پریسا نوروزی. این نمایش هر شب ساعت ۱۹ و به مدت ۴۵ دقیقه روی صحنه می‌رود. همچنین تالار آدینه مولوی نیز چند روزی است که شاهد اجرای نمایش «دل آخته» به نویسندگی و کارگردانی محسن جسور است. این نمایش با بازی سعید بحرالعلومی، مسعود بهارلو، حسین میزاییان، بهزاد عبیدی، فرناز زوفا، حسن کلانتری، سعید اله‌باشستانی روی صحنه می‌رود و در خلاصه داستان آن آمده است: داستان آهنگری، حیران میان حق و باطل. بهزاد عبیدی، آهنگساز شناخته‌شده‌ای که با چندین پروژه تئاتری هم همکاری دارد، قرار است در دو سه اجرای این نمایش بازی کند. این نمایش به تهیه‌کنندگی گروه فرهنگی هنری میراث روی صحنه می‌رود و دیگر اعضای گروه اجرایی آن به شرح زیر هستند: دستیار کارگردان: حمید انصاری‌پور؛ مشاور کارگردان: احسان طرخورانی؛ برنامه‌ریز: عاطفه نودزی؛ منشی صحنه: راضیه محمدی؛ مدیر تولید: علی اکبری؛ آهنگساز: بهزاد عبیدی؛ صداگذار: محمدحسین ابراهیمی؛ طراح صحنه، آکسسوار: امید شهرابی؛ اجرای دکور: علی‌رضا دست‌افکن؛ طراح لباس: حایه کردون‌پناه؛ اجرای صدا: سیدمهدی میر، سیدامین محمدی؛ طراحی نور، اجرای نور: شاهین نجمی؛ طراح کرافیک: حایه کردون‌پناه، کیانا کیانی.

و به مدت ۷۵ دقیقه در تالار اصلی مولوی روی صحنه می‌رود.